**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه279 – 29/ 10/ 1398 مفهوم ضرر/ مفاد حدیث لا ضرر / قاعده لا ضرر**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسه امروز:**

بحث در مفهوم ضرر بود. آقای سیستانی آیه شریفه «لن یضرّوکم الا اذی» را از مصادیق استعمال ضرر در تضییق دانسته است به این تقریب که الا متصل بوده و کشف می شود اذی در مفهوم ضرر وجود دارد. در جلسه گذشته کلام برخی از قدمای لغویین و مفسرین در متصل بودن یا منقطع بودن الا در آیه شریفه بیان شد. در این جلسه پس از بیان کلام برخی دیگر از قدما، تعارض موجود بین کلمات آنان مورد بررسی قرار می گیرد.

## شمول ضرر نسبت به اذی

بحث درباره مفهوم ضرر بود. آقای سیستانی، استثناء در آیه شریفه «لن یضرّوکم الا اذیً» را متصل دانسته و مطابق آن، آیه را از موارد استعمال ضرر در تضییق دانسته است. در جلسه گذشته بیان شد: متصل یا منقطع بودن استثناء در آیه شریفه از مباحث قدیمی بوده و مفسّرین قدما اذی را از مصادیق ضرر نمی دانند. در المعجم فقه اللغه القرآن ج2، ص: 11 از خطابی نقل کرده است: «الاذی الشر الخفیف فان زاد فهو ضررا» پس اذی مصداق ضرر نیست.

سید رضی از برخی از علما که به احتمال زیاد وزیر مغربی (متوفی 418) باشد، نقل کرده استثناء متصل است. شیخ طوسی و متأخرین نیز استثناء در آیه شریفه را متصل دانسته اند. قرطبی می گوید: «الاستثناء متصل و- قيل: هو منقطع، و- المعنى لن يضروكم البتة، لكن يؤذونكم بما يسمعونكم‏»[[1]](#footnote-1) ابوحیان می گوید: « و الظاهر أن قوله: إلا أذى استثناء متصل، و هو استثناء مفرغ من المصدر المحذوف التقدير: لن يضرّوكم ضررا إلا ضررا لا نكاية فيه، و لا إجحاف لكم.»

در ص: 12 معجم فقه اللغه، علمای متأخر از شیخ طوسی تصریح به متصل بودن استثناء کرده یا در تفسیر اذی ضرر را اخذ کرده اند. شیخ طوسی می نویسد: « و الأذى ضرر يجده‏ صاحبه‏ في حاله يقال: آذاه يؤذيه أذى و تأذى به تأذياً، و اكثر ما يقال في الضرر القليل‏»[[2]](#footnote-2) یا آمده است: « أَذىً‏: الأذى: كل ما تأذيت‏ به‏. و أصله الضرر بالشي‏ء.»[[3]](#footnote-3)

در ص: 25 معجم فقه اللغه آمده: «الاذی هو ضرر ربما ینفر منه النفس فی عاجل الامر» در تبیان آمده: «و الأذى‏ ضرر لا يبلغ بصاحبه ان يأتي على نفسه،»[[4]](#footnote-4) راغب می گوید: « الأذى ما يصل إلى الحيوان من الضرر: إما في نفسه أو جسمه أو تبعاته دنيويا كان أو أخرويا»[[5]](#footnote-5) طبرسی می نویسد: « و الأذى‏ ضرر يتعجل‏ وصوله إلى المضرور»[[6]](#footnote-6)

مرحوم طباطبایی گویا ناظر به کلام راغب، اذی را داخل را در معنای ضرر ندانسته و بیان می کند: تفسیر «لن یضروکم الا اذی» به «لن یضروکم الا ضرار» صحیح نیست. این اشکال همان اشکال مذکور در کلام سید رضی بوده و سید رضی به آن پاسخ هایی را نقل کرده است. شاید مرحوم علامه کلام سید رضی را ندیده باشد. اگر اذی به معنای ضرر باشد، ضرری خاص بوده و یا ضرر یسیر بوده یا ضرر به لسان و مرتبه پایین ضرر است. پس استثنای الا اذی از ضرر بدون اشکال است.

در وجیر واحدی آمده است: « إِلَّا أَذىً‏ إلّا ضررا يسيرا باللّسان‏،»[[7]](#footnote-7)

عبارتی وجود دارد که با هر دو معنای اذی سازگار است. ابن قتیبه (متوفی 276) در تفسیر «لن یضروکم الا اذی» می گوید: « أي لم تبلغ عدواتهم لكم أن يضروكم‏ في‏ أنفسكم‏، إنما هو أذى بالقول.»[[8]](#footnote-8) در این عبارت دو احتمال وجود دارد.

اول آنکه استثناء متصل باشد به این بیان که ضرر مطلق ایصال مکروه به شخص است اعم از آنکه ضرر به نفس بوده و اذیت به قول باشد..

دو آنکه، استثناء منقطع باشد به این بیان که ضرر مختص به ایصال مکروه در نفس باشد.

خلاصه آنکه، پیش از سید رضی که از برخی از علما نقل کرده، تصریحی به متصل بودن استثنای الا اذی دیده نشده است.

## جریان اصاله الحقیقه برای اثبات متصل بودن الا

آیا می توان با اجرای اصاله الحقیقه در الا، متصل بودن استثناء را اثبات کرد؟ در صورت جریان اصاله الحقیقه، اثبات خواهد شد ضرر مفهومی دارد که اذیت را نیز شامل است. این بیان در صورتی که استثنای منقطع به معنای لکن تفسیر شود، روشن تر است.

در پاسخ باید گفت: اگر شک داشته باشیم که مستثنی داخل در مستثنی منه است، می توان با تمسک به اصاله الحقیقه، خروج مستثنی از حکم مستثنی منه را اثبات کرد. اما فرض آن است که مفاد آیه روشن بوده و شک در مراد وجود ندارد. زیرا می دانیم ضرر وجود نداشته و اذی وجود دارد. پس شک در کیفیت اراده بوده و مشکل است با تمسک به اصاله الحقیقه، موضوع له الا تشخیص داده شود.

این بحث شبیه بحث موجود در آیه «وَ الْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلاثَةَ قُرُوءٍ وَ لا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ ما خَلَقَ اللَّهُ في‏ أَرْحامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللَّهِ وَ الْيَوْممِ الْآخِرِ وَ بُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ في‏ ذلِكَ إِنْ أَرادُوا إِصْلاحاً»[[9]](#footnote-9) است. به این بیان که مفاد «هن» در بعولتهن روشن بوده و مراد رجعیات مطلقه است اما درباره مفاد مرجع ضمیر و کیفیت بازگشت ضمیر شک داریم. آیا می توان با اصاله الحقیقه در مرجع ضمیر، مفاد مرجع ضمیر را مشخص کرد؟

## وجود دو تبادر متزاحم در مفهوم ضرر

به هر حال، احساس لغوی قدمای لغویین این بوده که مفهوم ضرر اذی را شامل نیست. اما احساس محققون از علمایی که سید رضی از آنها نقل کرده و هم چنین شیخ طوسی این است که مفهوم ضرر شامل اذی می شود. روح قضیه این است که با دو تبادر متزاحم در ضرر روبرو هستیم.

اگر کلام لغویین و مفسرین در ترجمه لغت، متحد باشد با رجوع به کلام آنها، می توان موضوع له را کشف کرد به این صورت که به جای تمسک به اصاله الثبات برای اثبات عدم نقل، با تبادر موجود بین قدمای از مفسرین و لغویین، نقل را نفی می کنیم. حتی اگر بین مفسرین و لغویین اولیه و زمان صدور یک یا دو قرن فاصله باشد زیرا در این فرض، تمسک به اصاله الثبات برای نفی نقل، آسان تر از تمسک به اصاله الثبات برای نفی نقل در طول 13 یا 14 قرن است. هم چنین می توان با رجوع به کلام آنها، تبادر موجود بین لغویین و مفسّرین را اثبات کرد.

اما در صورتی که مانند مورد بحث، بین مفسّرین و لغویین اختلاف نظر وجود داشته باشد، این مطلب صحیح نیست. فراء، زجاج، اخفش، خطابی (متوفی اواخر قرن 4) استثنا را منقطع دانسته و اذی را داخل ضرر نمی دانند. در مقابل از اواخر قرن چهار از سید رضی و معاصرین ایشان، استثنا منقطع فرض شده و اذی داخل در مفهوم ضرر تلقی شده است. در این موارد که دو تبادر متعارض وجود دارد، چه باید کرد؟ و به چه دلیل تبادر متضاد حاصل شده است؟

### حل تزاحم بین دو تبادر

برای حل این تبادر متعارض، چند راه حل وجود دارد که نتیجه آن با هم متفاوت است.

#### راه اول: استعمال ضرر در معنای مجازی عام

راه حل اول این است که در کلام مرحوم شیخ طوسی و دیگر مفسرین و لغویین که ضرر را شامل اذی دانسته و الا را متصل می دانند، تصرف کرده و گفت: معنای حقیقی ضرر اذی را شامل نبوده و به قرینه استثناء، ضرر در معنای مجازی شامل اذی استعمال شده است. پس روح قضیه این است که متصل بودن استثناء، قرینه بر استعمال ضرر در معنای مجازی است. به عبارتی دیگر، تجوّز در ضرر از تجوّز در الا و استعمال آن به معنای لکن روشن تر است. پس درک وجدانی حاصل برای آنها، درک معنای مجازی است که با درک معنای حقیقی، خلط شده است.

#### راه دوم: ظهور اطلاقی ضرر در ضرر غیر یسیر

راه حل دوم این است که در کلام مفسرین و لغویینی که الا را منقطع دانسته و ضرر را شامل اذی نمی دانند، تصرف کرده و گفت: معنای حقیقی ضرر عام بوده و شامل اذی می شود اما تناسب حکم و موضوع در اخبار به وارد کردن ضرر به نحو مطلق، مقتضی آن است که اجحافی در ضرر وجود دارد. پس در اصل معنای ضرر، اجحاف وجود نداشته و از اطلاق ضرر، این معنا فهمیده می شود. پس بین معنای حقیقی و معنای اطلاقی خلط صورت گرفته و به همین دلیل الا منقطع فرض شده و اذی خارج از ضرر دانسته شده است.

مرحوم شیخ انصاری، در بحث معاملات صبیان می فرماید: مراد از جواز امر در «اذا بلغ الصبی جاز امره» این است که معاملات بالغ بدون اجازه ولی نافذ است و مفهوم آن این است که معاملات صبی پیش از بلوغ، نیازمند اجازه ولی است. پس از این روایت، مسلوب العباره بودن صبی استفاده نمی شود. مرحوم امام اشکال کرده و می فرماید: استنثای باذن ولی از لا یجوز صحیح بوده و می توان گفت: «لا یجوز امر الصبی الا باذن ولیه» هم چنین می توان یجوز را مقید کرده و گفت: «یجوز امر الصبی باذن ولیه». صحت استثناء و صحت قید کاشف از این است که معنای جاز اعم از اذن ولی و عدم اذن ولی است و به همین دلیل می توان استثناء کرد. حاج آقای والد نقض مرحوم امام را صحیح ندانسته و می فرماید: اگر ادعای مرحوم شیخ این بود که جاز به دلالت وضعی دالّ بر جواز بدون اذن ولی بود، نقض مرحوم امام وارد بود. اما مرحوم شیخ بیان می کند: اطلاق جاز دالّ بر عدم توقف آن بر امری دیگر است. در نتیجه، استثناء مانع تحقق این اطلاق بوده و نمی توان به موارد وجود استثناء، معنای اطلاقی جاز را نفی کرد. به عبارتی دیگر، ادعای مرحوم شیخ دلالت اطلاقی جاز بر استقلال بالغ بوده و مفهوم آن، عدم استقلال صبی پیش از بلوغ است نه آنکه جاز به دلالت وضعی دالّ بر استقلال بالغ است.

شبیه به این بیان در مورد بحث، قابل تطبیق است به این صورت که مفهوم وضعی ضرر شامل اذی بوده ولی اطلاق آن منصرف به ضرر کثیر و مهم است و شامل ضرر یسیر نمی شود. پس اراده ضرر یسیر مخالف اطلاق ضرر است نه معنای وضعی ضرر.

در نتیجه اگر استثناء وجود نداشته و به صورت مطلق بیان شده باشد: «لن یضرّوکم»، ضرر شامل ضرر ناجیز نمی شد اما با وجود استثنای «الا اذی» این اطلاق از بین رفته و در نتیجه مراد از ضرر معنای وضعی آن است نه معنای اطلاقی. نتیجه این بیان این است که «لن یضرّوکم الا اذی» به همان معنای «لن یضرّوکم» به نحو مطلق بوده و تنها در عبارت اول، تصریح به این مطلب شده است.

حاج آقای والد این مثال را نیز بیان می کنند که جمله «بر کسی که بیمار است روزه واجب نیست» شامل بیماری نمی شود که روزه برای او خوب است. این قید در مفهوم بیماری وجود نداشته و به تناسب حکم و موضوع فهمیده می شود زیرا رفع روزه از مریض در مقام امتنان بوده و نسبت به مریضی که روزه برای او خوب است، رفع وجوب روزه امتنانی ندارد. در نتیجه، تصریح به این قید و بیان این که «روزه بر مریضی که روزه برای او ضرر دارد، واجب نیست» به جهت تصریح بوده و برای تبدیل دلالت سکوتی موجود در «روزه بر مریض واجب نیست» به دلالت لفظی می باشد. شبیه به این مطلب در قید و استثناء نیز وجود داشته و گاه قیدی بیان شده و به مستثنایی تصریح می شود که اگر قید یا مستثنی وجود نداشت، از نظر عرفی قید و مستثنی فهمیده می شود. مثل «لا یجب الصوم علی المریض الا مریضا یکون الصوم بمصحلته» که بدون استثنا نیز فهمیده می شود اما برای تبدیل ظهور به نص، به استثناء تصریح شده است. در نتیجه، «لن یضرّوکم الا اذی» نیز می تواند تأکید بر مفاد «لن یضرّوکم» به صورت مطلق باشد که بدون قید از آن فهمیده می شود ضرر مهمی وارد نشده است نه آنکه هیچ ضرری نمی زنند. مطابق این توجیه، موضوع له ضرر شامل اذی بوده و در صورت اطلاق به تناسب حکم و موضوع شامل ضرر ناجیز نیست. به همین دلیل، استثنا متصل بوده و به جهت تصریح به همان مفاد اطلاقی است.

#### مقایسه بین دو راه

توجیه اول، از این جهت که باید برای تشخیص موضوع له به کلام قدما رجوع کرد، دقیق تر است و از این جهت که نباید متصل یا منقطع بودن را نسبت به موضوع له ملاحظه کرد، دقیق نیست. پس باید متصل یا منقطع بودن را به لحاظ مستعمل فیه و لو معنای مجازی باشد، ملاحظه کرد و اگر لفظ به صورت مجازی در معنای عام استعمال شده و از همین معنای عام، استثنا صورت گرفته باشد، این استثناء متصل خواهد بود نه منقطع.

توجیه دوم که کلام سید رضی و شیخ طوسی است، از این جهت دقیق تر است که بین معنای وضعی و اطلاقی تفکیک وجود دارد.

1. المعجم فقه اللغه القرآن ج2، ص: 20 [↑](#footnote-ref-1)
2. التبيان فى تفسير القرآن ج‏6 280 [↑](#footnote-ref-2)
3. تفسير من وحى القرآن ج‏4 96 [↑](#footnote-ref-3)
4. التبيان فى تفسير القرآن ج‏4 515 [↑](#footnote-ref-4)
5. مفردات ألفاظ القرآن، ص: 71 [↑](#footnote-ref-5)
6. مجمع البيان فى تفسير القرآن ج‏2 647 [↑](#footnote-ref-6)
7. الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز ج‏1 227 [↑](#footnote-ref-7)
8. غريب القرآن 97 [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره بقره، آيه 228 [↑](#footnote-ref-9)